

ارتباط درست با پذیرش اختلافات میسر میشود



آفات ارتباط و تعامل نداشتن حوزه علمیه قم با حوزه های علمیه جهان اسلام

آفت اول: ارتباط نداشتن حوزه علمیه قم با مراکز دینی در جهان اسلام، فرصتی برای فتنه مذهبی و شکاف و بحران مذهبی ایجاد میکند. در مقابل، هر اندازه ارتباط زیاد شود، امکان فتنه مذهبی به همان نسبت کم خواهد شد. نداشتن ارتباط حقیقی، چهره ای غیرواقعی از شما برای طرف مقابل، و همچنین چهره ای غیرواقعی از طرف مقابل برای شما، خواهد ساخت و این مسئله، همزیستی را به خطر می اندازد.

آفت دوم: به نظر من شیعه باید از مرحله اثبات خودش، عبور کند و این مرحله را پشت سر بگذارد. واقعاً پذیرفتنی نیست که بعد از صدها سال، ما هنوز در مورد مسلمان بودن خودمان با برخی از اهل سنت بحث میکنیم. منشأ این مشکل هم ارتباط نداشتن ما با مراکز علمی و دینی آنهاست. به نظر بنده، ما برای عبور از این مرحله، حتی باید هزینه بپردازیم؛ چون نیازمندیم که از این مرحله خارج شویم!

فِرَق اهل سنت در هشت قرن اولیه هجری باهم جنگهای خونینی داشته اند و هریک از آنها دیگری را از اسلام و شریعت خارج میدانستند؛ اما امروز به یک تفاهم نسبی رسیده اند. امروز طلبه مالکی در کنار فقه خودش، فقه حنبلی را هم به عنوان فقه یکی از فِرَق اسلامی می آموزد؛ اما این سؤال مطرح است که چرا فقه جعفری را نمی آموزد؟ ما باید از طریق ایجاد ارتباط، به مرحله ای برسیم که فقه جعفری هم در مدارس فقهی و مجامع علمی و دینی اهل سنت آموزش داده شود. تا زمانی که ارتباطات ما ضعیف است و صدایمان در مراکز علمی شنیده نمیشود، طلاب اهل سنت نیز در مدت تحصیل خود اثری از ما نمی بینند و علمی القاعده ما را خارج از اسلام می پندارند؛ چراکه صدایی از ما نشنیده اند!

آفت سوم: ضعف دستاوردهای علمی، از آفاتی است که منشأ آن، فقدان ارتباط علمی و فکری در جهان اسلام است. به عنوان مثال برخی از مسائل، پنجاه سال پیش در مراکز علمیه ما حل شده است، اما آنها به دلیل ارتباط نداشتن با ما، برای حل آن مسئله، از صفر آغاز میکنند. البته شاید در برخی مسائل، راه حل های آنها برای ما کارایی نداشته باشد، اما ارتباط سبب میشود که لازم نباشد ما نیز از نقطه صفر شروع کنیم. این نداشتن ارتباط سبب رفتن راههای رفته میشود!

آفت چهارم: امروزه مسائل و مشکلاتی اعم از الحاد یا افراطیگری مذهبی یا فسادهای اجتماعی و... در جامعه مسلمین وجود دارد که حوزه علمیه قم به تنهایی نمیتواند همه آنها را حل کند. ارتباط حوزه علمیه قم با بقیه مراکز علمی جهان اسلام و استفاده از تلاشهای متعدد، ممکن است منجر به حل مشکل شود. ما به تنهایی نمیتوانیم مشکلات متعدد خودمان را حل کنیم. این یک مسئله طبیعی و بشری است. به همین دلیل ما به ارتباط نیاز داریم تا از عقول بقیه مسلمین برای حل مشکلاتمان استفاده کنیم و نیازمند کمک گرفتن از عقول دیگران هستیم؛ درواقع امروزه ما نیازمند خطاب اسلامی، انسانی و جهانی هستیم و خطاب مذهبی و جغرافیایی و محلی، پاسخگوی مشکلات ما نخواهد بود. امروز صدها سؤال بی پاسخ در برابر مسلمین وجود دارد.

راهکارهای ایجاد تعامل حوزه علمیه قم با حوزه های علمیه جهان اسلام

اولاً هر کشوری باید بتواند از ارتباطات بین مؤسسات دینی بهره مند گردد و تحقق این موضوع، در گرو آن است که مسائل سیاسی جزئی ارتباطات علمی حوزه را تحت الشعاع قرار ندهد. البته منظور بنده، جدایی حوزه از مسائل سیاسی نیست، بلکه منظورم این است که حوزه، خود و روابطش را قربانی مسائل

سیاسی جزئی و پیش‌پا افتاده نکند. به این نکته در مرجعیت کبرای نجف، توجه شده است. وقتی حوزه وارد یک مسئله سیاسی جزئی می‌شود، بیشتر هویت مذهبی و دینی آن دیده می‌شود و همین، اصطکاک به وجود می‌آورد. به همین دلیل در قضایای سیاسی که در جهان اسلام اتفاق می‌افتد، حوزه باید حساسیت و دقت بسیاری به خرج دهد تا در تقابل با مراکز علمی دیگر قرار نگیرد و بتواند ارتباطش را با آنها حفظ کند.

ثانیاً این نکته بسیار مهم است که تصور نفی و مهار بقیه را از ذهنمان بیرون کنیم و ذهنیت تسلط بر بقیه را کنار بگذاریم. ما باید این سیاست را تغییر دهیم تا بتوانیم با دیگران تعامل و ارتباط داشته باشیم و اگر بخواهیم همان مسیر قبلی را ادامه دهیم، با آنها دچار مشکل خواهیم شد. درواقع دیگران شاید یک یا دو بار حرف ما را بشنوند، اما نمیتوانند تولیگری^۱مان را در مسائل علمی بپذیرند و قبول کنند که به آنها به چشم شاگرد نگاه کنیم. این نگاه و ذهنیت در حوزه علمیه قم، در درازمدت آثار منفی زیادی بر جای خواهد گذاشت. اینکه ما به شمال آفریقا می‌رویم تا به آنها دین بیاموزیم، اشتباه است! ما باید با آنها تعامل علمی کنیم و از نتایج فکرشان بهره مند شویم. منطق استعلایی کنونی باعث می‌شود روزه^۲روز در ارتباط^۳ها دچار خسران شویم. حل این مشکل و اصلاح این ذهنیت، نیاز به این دارد که جلسات و درس‌گفتارهای زیادی برگزار کنیم. باید به طلبه از همان ابتدای تحصیل، همکاری با دیگران را آموزش دهیم تا بتواند از دستاورد بقیه مسلمانان بهره مند گردد؛ نه اینکه از همان ابتدا به او القا کنیم که تو استاد دیگران هستی و همه شاگرد تو خواهند بود! این مسئله نیازمند برنامه تربیتی و آموزشی جدی در حوزه علمیه قم است؛ یعنی لازم است قم موضعی اتخاذ کند که طلبه از روز اول که داخل حوزه می‌شود، با نظریات سایر مسلمین آشنا شود تا بفهمد که آنها نیز اجتهادهای عمیقی دارند.

ثالثاً ما در عصر ارتباطات هستیم و هیچ مرجع یا حتی طلبه ای نمیتواند خطابی خاص و محدود داشته باشد. باید بدانیم که هر سخن و نظری که مطرح می‌کنیم، زیر ذره بین هستیم. حوزه علمیه قم در منظر و مرآی تمام دنیاست. پس نباید مخاطب خود را فقط داخل قم بداند؛ بلکه باید متوجه باشد که هر سخنش، در تمام جهان بازتاب خواهد داشت و افراد مختلف با دیدگاههای مختلف، حرفهای ما را می‌شنوند و در برابر آن موضع می‌گیرند. در اصل، همین که ذهن طلبه، محدود به مخاطبانش در قم است، در برقراری ارتباط، مشکل و بحران به وجود می‌آورد.

رابعاً دیدار و بحثهای طلبگی باید زیاد شود و یکی دو هفته برای این مسئله کافی نیست. اصلاً طلبه ها برای یاد گرفتن مثلاً فقه شافعی باید به الازهر بروند و پنج سال تخصصی به فقه شافعی بپردازند؛ درحالی که این اتفاق بسیار نادر است. همچنین ما باید بقیه را برای استفاده از دانش فقه خودمان به قم دعوت کنیم.

ایجاد کرسیهای علمی برای مذاهب دیگر و دعوت از بزرگان و علمای آنها و ایجاد ارتباطی مستمر، باعث خواهد شد آنها نیز در مجامع علمی خود، برای ما کرسی علمی ایجاد کنند و این واقعاً ضروری است. ارتباط مستقیم ما با بقیه، ذهنیت ما را تغییر خواهد داد!

تغییر منهج و روش درسی هم بسیار مهم است. اینکه فقط منطق مظفر یا اصولی را بیاموزیم که محصول شیخ انصاری است، امروزه کافی نخواهد بود!

ما باید تغییر اولویتها را جدی بگیریم. مثلاً امروزه اولویت طلبه ها، حفظ نظام سیاسی اسلامی و نیز حفظ تشیع و دفاع از آن است. در کنار این دو اولویت، باید امت را هم به عنوان یک اولویت جدی و نه شعاری مطرح کنیم. در این قضیه، آثار علامه شیخ محمد مهدی شمس الدین مفید است. قرار دادن امت در کنار بقیه اولویتهای خودمان، برای ارتباط موفق با جهان اسلام الزامی است؛ حوزه ای که دغدغه امت در آن جدی نیست. ما باید در این مسائل، پیشرو باشیم تا مسلمین بفهمند ما به مسائل امت نیز اهتمام و در این باره جدیت داریم.

نکته آخر اینکه برای ایجاد ارتباط سالم، باید دیگران را همان گونه که هستند بپذیریم و نباید این ذهنیت برای ما به وجود بیاید که آنها را تغییر دهیم. اصلاً در مفهوم ارتباط، به رسمیت شناختن اختلافها و تفاوتها هم نهفته است؛ اما این ذهنیت وجود ندارد! با این اوضاع، ارتباطهای ما کوتاه مدت و صوری خواهد بود.